

## ● اعتماد به نفس

با همه‌ی این حرف‌ها ما خودمان را در همه چیز همه‌کاره می‌دانیم. در یک جمع که نشست‌اید امتحان کنید، بگویید مثلاً چند روز است که خون دماغ می‌شوید، ببینید اطرافیان‌تان چه دکترهای حاذقی هستند، هزار جور برای شما تز می‌دهند و نسخه می‌پیچند. با اعتماد به نفس کامل خودمان را از نظر هوش و فرهنگ سرآمد مردم جهان می‌دانیم و همه‌ی کارهای دیگران را نقد می‌کنیم و در مورد آن‌ها ادعا داریم. به روی مبارک نمی‌آوریم که ادعا و اعتماد به نفس مال تولیدکننده است نه مال مصرف‌کننده!

## ● از خواب گران خیز

تصور رابطه‌ی فامیلی زیاد با خدا، سوار شدن بر موج گذشته و خوش‌بینی بی‌مورد به آینده و اعتماد به نفس ناشی از همه‌ی این موارد، سهم ما را در تولید فکر و سخت‌افزار در جهان شدیداً پایین آورده است. من این‌ها را بیماری‌های اصیل و عمیق فرهنگی‌مان در مسیر تولید می‌دانم و به نظرم تا تک‌تک ما خودمان را در این موارد درمان نکنیم و بر تنبلی‌هامان فایق نیابیم... فرافکنی نکنید (که این هم یکی دیگر از اشکالات ماست) که پول نیست، مدیریت ضعیف است و... همه‌ی این‌ها هست اما مشکل اصلی همان ضعف شدید فرهنگی‌ست. باید روی خودمان کار کنیم. هر کسی با خودش خلوت کند. به خودت یک نهیب بزنی. علاوه بر خوردن و پوشیدن و گشتن و کنکور دادن و دانشگاه رفتن و ازدواج کردن و سر کار رفتن! و بچه‌دار شدن و... جساراً مردن هدف دیگری هم هست: تغییر و تأثیر نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در زندگی نوع بشر. تأثیر بذار!

\*\*\*

بنده به شخصه این کتاب را انقلابی در کتاب‌های فیزیک کنکور از نظر فرم و محتوا می‌دانم که دوست و استاد گران‌قدر جناب آقای مصلاهی آن را مدیریت و تألیف کرده‌اند. به نظرم این کتاب در بین کتاب‌های منتشر شده در خیلی سبب هم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. ساختار سهل و ممتنع، چیدمان هوشمندانه، توجه ویژه به دانش‌آموزان قوی (تست‌های یک گام فراتر)، زبان روان و جذاب، توجه ویژه به کتاب‌های بین‌المللی و مرجع در گردآوری سؤزه‌ها، اشکال و تمثیل‌ها، ویرایش حرفه‌ای (سوپر حرفه‌ای البته!)، توجه به زیبایی ساختاری و ظاهری کتاب و ایده‌پردازی کاریکاتوری مباحث انتزاعی فیزیک ۳، همه و همه از مواردی‌ست که بخشی از آن‌ها را هم تاکنون در کتاب‌های فیزیک کنکور ندیده‌ایم چه رسد به همه‌ی آن‌ها!

در کنار آقای مصلاهی عزیز، جناب آقای دکتر اقبال زحمت تألیف قسمت‌هایی از کتاب و ویرایش حرفه‌ای و کامل آن را بر عهده داشتند. دقت و مدیریت آقای اقبال در ویراستاری مثال‌زدنی بود و خیالمان را راحت کرد. از هر دوی این دوستان سپاسگزارم که با تلاشی دلسوزانه و خلاقانه این اثر استثنایی را تولید کردند. از دوستان عزیز در انتشارات خیلی سبب هم که زحمت زیادی در تولید این کتاب کشیدند به‌خصوص سرکار خانم امینی تشکر می‌کنم.

یک بلوتوث از قضا (!) مؤدبانه و شاعرانه‌ای هست که دست به دست می‌چرخد و در آن شاعر طنزپردازی که اسمش را به خاطر ندارم قصیده‌ای سروده است که: آقای ادیسون مسلمان نبوده و نماز نمی‌خوانده است اما با اختراعش خدمت بسیار بزرگی به بشریت کرده است (همون آثار ماتاخر)، با این اوصاف در روز محشر آیا خداوند متعال او را به بهشت می‌برد یا خیر؟ داشتم برای مقدمه‌ام دنبال سؤزه‌ای حواشی الکترونیسته و برق می‌گشتم که یاد این قصیده افتادم.

## ● وضعیت ما

در دنیا کلاً عملکرد انسان‌ها یا باعث تولید نرم‌افزار و فکر و ایده می‌شود و یا منجر به تولید سخت‌افزار و ماشین. برای تولید هر سخت‌افزاری هم نیاز به نرم‌افزار هست. به اطرافتان توجه کنید. به نرم‌افزارها و سخت‌افزارهایی که باعث خوشحالی شما می‌شوند توجه کنید: پزشکی، مهندسی (اتومبیل، هواپیما، کامپیوتر، اینترنت، تلویزیون، صنایع بزرگ و...)، علوم انسانی (جامعه‌شناسی، روانشناسی و...) ما در همه‌ی این‌ها مصرف‌کننده‌ی مطلقیم! من که خجالت می‌کشم به خدا! یعنی می‌خوریم و می‌خوابیم و سر کار می‌رویم! که خیلی خوب و خیلی زیاد مصرف کنیم از تولیدات دیگران، آن هم با اعتماد به نفس کامل، در حالیکه متوقع از خدا و جهانی‌م و منتقد و مدعی در همه چیز!

## ● گیرم پدر تو بود فاضل

تصور ما در مورد گذشته بسیار توأم با افتخار است طوری که انگار خود ما متعلق به گذشته‌ایم! و هرچه گذشتگان ما از مرام، معرفت، علم و پیشرفت به دست آورده‌اند (که می‌توان گفت نیروی محرکه‌ی اولیه پیشرفت کنونی بشر بوده است که بعد از قرون وسطا در اروپا ترجمه شد) همه را همین الان ما به دست آورده بودیم!!!

انگار وقتی از رستم، ابن‌سینا، فردوسی و سعدی و حافظ و سایر مشاهیر و دانشمندان پرآوازه‌ی گذشته‌ی این سرزمین نام می‌بریم، خودمان را به جای آن‌ها تصور می‌کنیم و با این تصور حال می‌کنیم. زهی خیال باطل، قرن‌هاست که ما مصرف‌کننده صرف بوده‌ایم و در رختخواب دراز کشیده‌ایم و خیال گذشته را نشخوار کرده‌ایم.

## ● با توکل زانوی اشتر ببند

تفکر و تصور جالب دیگری که فکر می‌کنم در جامعه‌ی ما شایع باشد این است که ما فکر می‌کنیم خداوند متعال ما را به‌صورت ویژه‌ای دوست دارد، ول کن ما نیست، حتماً به‌صورت خاصی هوای ما را دارد! ضمناً فلان اتفاق بد افتاده، اصلاً اشکال نداره حتماً خواست خدا بوده، قسمت بوده!

بابا، برای مسلمان و کافر آب در ۱۰۰ درجه به جوش می‌آید و گ در همه جای زمین حدوداً ۹/۸ است. یعنی اینطوری نیست که ما هر جور تنبلی و بی‌فکری و بی‌برنامگی داشته باشیم و بعد بیندازیمش گردن خدا و تازه بعدش بگیم: انشاء... درست می‌شه! به خدا این جفایی‌ست در حق خدا و دین و خودمون و نسل‌های بعدی.